

خبر

ابراهیم نکو: جریانی افراطی سعی می‌کند فضای جامعه را غبار آلود کند

نماینده مجلس نهم گفت: گروهی که نگاهی افراطی دارند با وجود تعداد اندکشان تقریباً در همه مقاطع و موضوعات حساس فعال هستند و با همین تعداد محدود نیز فضای جامعه را غبارآلود می‌کنند و در تلاش هستند از این طریق خودنمایی کنند. ابراهیم نکو در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تأثیر به پیام‌های رهبر معظم انقلاب در شرایط جنگی، اظهار کرد: این پیام‌ها نشان‌دهنده هوشمندی، اشراف بر اوضاع و ترسیم سیاست‌های کلان نظام است و همه مسئولان، مردم و رسانه‌ها باید با دقت به محتوای این پیام‌ها توجه کنند. ایشان با باریک‌بینی و ظرافت در این بیانیه‌ها به نکاتی اشاره می‌کنند که می‌توان آنها را بخشی از سیاست‌های کلی نظام دانست. رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی، باید این پیام‌ها را با ابعاد گسترده‌تر برای افکار عمومی تشریح کنند، بدون اینکه خدشهای به اصل پیام وارد یا تفسیر به رای انجام شود. نکو با بیان اینکه تأکیدهای مکرر رهبر معظم انقلاب دارای پیام‌های مشخصی است، گفت: وقتی ایشان به‌صورت مؤکد و مکرر بر موضوعی تأکید می‌کنند، به این معناست همه باید هوشیار باشند. چنین تأکیدی نشان می‌دهد به موضوعی یا بی‌توجهی مواجهه شده یا به آن توجه کافی نشده است. مخصوصاً موضوعی که از اهمیت بالایی برخوردار باشد و ادامه غفلت از آن به شکاف‌ها، بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌ها دامن بزند. امروز در جامعه اختلافاتی مشاهده می‌شود، اما اگر اختلاف سلیقه‌ها در جهت رفع مشکلات و موانع باشد، نهنتها ایرادی ندارد، که قابل احترام است. جامعه‌ای که در آن اختلاف سلیقه وجود نداشته باشد، جامعه‌ای پویا نخواهد بود.

دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس نهم تصریح کرد: منظور رهبر معظم انقلاب از پرهیز از اختلاف، قطعاً اختلاف سلیقه و تضارب آرای مثبت نیست، بلکه منظور ایشان آن دسته از اظهارنظرها و تفکراتی است که می‌خواهند مسیر صحیح کشور را منحرف کرده و جهت دیگری را تعریف کنند؛ مسیری که می‌تواند به حوزه دفاعی، دیپلماسی و روند صحیحی که در حال طی شدن است، آسیب وارد کند. او یادآور شد: رهبر معظم انقلاب هرگز نفروموند دیپلماسی، مذاکره یا سیاست خارجی باید تعطیل شود و این برداشت کاملاً نادرست است. مقصود ایشان این است که مسیر مذاکره باید صحیح، واقع‌بینانه و مبتنی بر توازن باشد؛ یعنی مسیر باید متناسب با امتیازدهی او صورت گیرد و به‌گونه‌ای نباشد که ما هرچه دشمن می‌خواهد در اختیار او قرار دهیم اما دستاوردی برای کشور حاصل نشود. در داخل کشور نیز نباید صرفاً نقاط ضعف را برجسته کرد و از بیان نقاط قوت غفلت ورزید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر این است که در کنار وجود اختلاف سلیقه‌ها و نقد دیدگاه‌های یکدیگر، نباید به گونه‌ای رفتار شود که بخش گسترده‌ای از مردم دچار تردید و تشکیک شوند. نباید اختلافات جناحی و سیاسی موجب تضعیف بدنه جامعه شود.

مطهری: ممکن است یک آمریکایی انتقام خون رهبر شهید را بگیرد

علی مطهری با بیان اینکه ایستادگی ایران در مقابل ترامپ و نتانیاهو به نفع کل جهان است، تصریح کرد: حتی خود اروپایی‌ها یا کشورهای خلیج فارس و کشورهای آسیایی مثل ژاپن ته دلشان از ایستادگی ایران مقابل این دو دیکتاتور وحشی خون‌خوار خوشحال هستند. گرفتن انتقام هم حرف درستی بود و البته به این معنا نیست حتما یک ایرانی انتقام را بگیرد، بلکه ممکن است یک آمریکایی یا آفریقایی این اقدام را انجام دهد.

خطیب نماز جمعه تهران تأکید کرد: تثبیت پیروزی نظامی و تبدیل آن به دستاورد سیاسی در میز دیپلماسی
خطیب نمازجمعه تهران گفت: آنچه آتش سلاح واشینگتن و تل‌آویو را خاموش و موازنه قدرت را به نفع ایران پایدار می‌کند، آتش سهمگین موشک‌ها، تثبیت پیروزی نظامی و تبدیل آن به دستاورد سیاسی در میز دیپلماسی است.
حجت‌الاسلام ابوترابی در خطبه‌های نمازجمعه تهران گفت: غیرت مردمان جنوب بخشی ماندگار از حافظه تاریخی ملت ایران است. امروز دشمن و استعمارهای جنوبی ایران را هدف حملات ناجوانمردانه خود قرار داده است و ایرانیان بار دیگر شاهد اپتار مردمی هستند که در همیشه تاریخ پیشانی مقاومت ایران بوده‌اند. به روایت جماران، او تأکید کرد: آنچه آتش سلاح واشینگتن و تل‌آویو را خاموش و موازنه قدرت را به نفع ایران پایدار می‌کند، آتش سهمگین موشک‌ها، تثبیت پیروزی نظامی و تبدیل آن به دستاورد سیاسی در میز دیپلماسی است.

سپاه: ۲ نفتکش متخلف در تنگه هرمز مورد اصابت قرار گرفتند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: ساعات ابتدایی امروز دو نفتکش متخلف تحت تأثیر اغواگری‌های سنتکام به خیال اینکه می‌توانند از مسیر غیراعلامی تحت اسکورت هوایی ارتش کودکش و ترویرست آمریکا بدون توجه به اخطارهای ما، در مسیر ناامن و غیرقانونی حرکت کرده و از تنگه هرمز عبور کنند، مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند و چهار نفتکش دیگر به‌سرعت تغییر مسیر داده و به محل خود بازگشتند. به گزارش ایسنا، اطلاعیه شماره ۵۷ عملیات نصر ۲ روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

«بسم الله قاصم الجبارین

و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه

مردم غیور و تاریخ‌ساز ایران اسلامی در نیروی دریایی سپاه، ضمن استمرار اعمال مدیریت کامل بر تنگه هرمز، همچنان از امانت شما ملت مؤمن و بیدار ایران اسلامی پاسداری می‌کنند.

ساعات ابتدایی امروز دو نفتکش متخلف تحت تأثیر اغواگری‌های سنتکام به خیال اینکه می‌توانند از مسیر غیراعلامی تحت اسکورت هوایی ارتش کودکش و ترویرست آمریکا بدون توجه به اخطارهای ما، در مسیر ناامن و غیرقانونی حرکت کرده و از تنگه هرمز عبور کنند، مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند و چهار نفتکش دیگر به‌سرعت تغییر مسیر داده و به محل خود بازگشتند. شب گذشته در پاسخ به بیانیه کذب سنتکام به اطلاع همه مالکان شرکت‌های کشتیرانی و بیمه رساندیم که به اطلاعیه‌های سنتکام توجه نکنید و از کسانی که قریب خورده‌اند و دچار حادثه شده‌اند سؤال کنید. نیروی دریایی سپاه بار دیگر اخطار می‌کند، مداخلات و امرونی‌های غیرقانونی ارتش کودکش آمریکا به شناورها در منطقه بی‌پاسخ نخواهد ماند.

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحکیم».

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

WWW.SHARGHDAILY.IR

واکاوی

راهبرد ترکیه در قبال جنگ‌های تحمیلی اخیر ایران در گپ و گفتی با سیداسدالله اطهری

موازنه بحران و مصلحت



واکاوی

واکاوی

حامی اسرائیل است و از سوی دیگر در سطح مواضع رسمی، شاهد افزایش تنش‌های لفظی میان آنکارا و تل‌آویو هستیم. در مقابل، برخی معتقدند در پس این تقابل سیاسی، شبکه‌ای از مناسبات اقتصادی، تجاری و حتی امنیتی وجود دارد که مانع از گسست واقعی روابط دو آنکارا و تل‌آویو می‌شود. حتی اقداماتی مانند طرح موضوع بازداشت بنیامین نتانیاهو از سوی برخی مراجع قضائی ترکیه نیز نتوانسته این روابط را به نقطه قطع کامل برساند. با این همه نسبت میان تنش‌های سیاسی و واقعیت‌های اقتصادی در این رابطه چیست؟

در روابط ترکیه و اسرائیل چند تحول مهم رخ داده است که باید به آنها توجه کرد. برای نمونه، زمانی که نفتالی بنت اعلام کرد ترکیه، همراه با ایران و قطر، در سوریه نفوذ پیدا کرده در پی گسترش این نفوذ به سایر نقاط منطقه است، همچنین رجب طیب اردوغان را یک ایدئولوگ خطرناک معرفی کرد که در پی محاصره اسرائیل است، این موضوع بازتاب گسترده‌ای یافت. در همان مقطع نیز تحلیل‌ها و مقالات متعددی منتشر شد که احتمال می‌دادند اختلافات دو طرف، به‌ویژه بر سر مرزهای دریایی مدیترانه، بلندی‌های جولان و تحولات لبنان، در آینده حتی به رویارویی نظامی میان ترکیه و اسرائیل منجر شود. برخی نیز این تحلیل را مطرح کردند که همان‌گونه که اسرائیل حدود ۴۰ سال تلاش کرد تا ایالات متحده را برای حمله به ایران با خود همراه کند، ممکن است روند مشابهی درباره ترکیه نیز در آینده شکل گیرد. با این حال، به نظر من در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت باید درباره چنین سناریوهایی با احتیاط سخن گفت. در این میان باید به چند پرسش اساسی پاسخ داد. نخست اینکه چرا ایالات متحده باید روابط خود را با یکی از مهم‌ترین اعضای ناتو به خطر بیندازد؟ ترکیه کشوری است که در بسیاری از معادلات منطقه‌ای، از جمله مدیریت روابط با روسیه و برخی پرونده‌های امنیتی، برای غرب اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، باید با احتیاط درباره احتمال تقابل راهبردی میان ترکیه و اسرائیل سخن گفت. البته رجب طیب اردوغان نیز بارها اعلام کرده است امنیت ترکیه از بیروت و حلب آغاز می‌شود و هرگونه حمله به دمشق را تهدیدی علیه امنیت ملی ترکیه دانسته است. این مواضع وجود دارد، اما در کنار آن دو نکته اساسی نیز وجود دارد که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اول اینکه در راستای سؤال درست شود، روابط ترکیه و اسرائیل صرفاً به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود. روابط اقتصادی، تجاری، انرژی و دیپلماتیک میان دو طرف همچنان اهمیت دارد. نباید فراموش کرد که ترکیه نخستین کشور مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت

و در مقاطع مختلف نیز همکاری‌های نزدیکی میان ایران، ترکیه و اسرائیل وجود داشت. نکته دوم که از نظر من بسیار مهم‌تر است، این است که اختلاف ترکیه و اسرائیل، اختلافی وجودی نیست. مسئله اصلی آنکارا، موجودیت اسرائیل نیست، بلکه اعتراض آن به سیاست‌های دولت اسرائیل، به‌ویژه دولت بنیامین نتانیاهو است. نمونه آن را می‌توان در نقش‌آفرینی ترکیه برای مینجیگری میان سوریه و اسرائیل مشاهده کرد. به بیان دیگر، ترکیه خواستار نابودی اسرائیل نیست، اسرائیل صرفاً به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود. روابط اقتصادی، تجاری، انرژی و دیپلماتیک میان دو طرف همچنان اهمیت دارد. نباید فراموش کرد که ترکیه نخستین کشور مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و در مقاطع مختلف نیز همکاری‌های نزدیکی میان ایران، ترکیه و اسرائیل وجود داشت.

نکته دوم که از نظر من بسیار مهم‌تر است، این است که اختلاف ترکیه و اسرائیل، اختلافی وجودی نیست. مسئله اصلی آنکارا، موجودیت اسرائیل نیست، بلکه اعتراض آن به سیاست‌های دولت اسرائیل، به‌ویژه دولت بنیامین نتانیاهو است. نمونه آن را می‌توان در نقش‌آفرینی ترکیه برای مینجیگری میان سوریه و اسرائیل مشاهده کرد. به بیان دیگر، ترکیه خواستار نابودی اسرائیل نیست، اسرائیل صرفاً به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود. روابط اقتصادی، تجاری، انرژی و دیپلماتیک میان دو طرف همچنان اهمیت دارد. نباید فراموش کرد که ترکیه نخستین کشور مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و در مقاطع مختلف نیز همکاری‌های نزدیکی میان ایران، ترکیه و اسرائیل وجود داشت.

✚ امروز بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی، ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان را نماینده «اسلام سیاسی سنی» با گرایش اخوان المسلمین می‌دانند. همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران از نگاه اسرائیل نماینده اسلام سیاسی شیعی تلقی می‌شود و برخی محافل اسرائیلی معتقدند هر دو پروژه باید مهار شوند. آیا در این صورت، رابطه اسرائیل و ترکیه همچنان صرفاً اختلافی سیاسی و حقوقی است یا به سطح یک تقابل وجودی نیز ارتقا پیدا می‌کند؟

به نظر من، خیر. رابطه ترکیه و اسرائیل همچنان یک رابطه مبتنی بر اختلافات سیاسی و حقوقی است و ماهیت وجودی پیدا نکرده است. اجازه بدهید به یک نکته تاریخی اشاره کنم که شاید کمتر درباره آن صحبت شده باشد و شاید برای اولین بار باشد که در روزنامه شرق مطرح می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌هایی که در تل‌آویو برگزار شد، به بررسی «جنبش شیعی به رهبری امام خمینی» اختصاص داشت. مدیریت این نشست را شانول بخاش بر عهده داشت و در آن دیدگاه‌های مختلفی درباره آینده روابط ایران و اسرائیل مطرح شد. در بخشی از آن مباحث این تحلیل ارائه شد که همان‌گونه که اسرائیل در خاورمیانه تنهاست، ایران شیعی نیز در میان کشورهای عمدتاً عرب منطقه موقعیتی متفاوت دارد؛ بنابراین شاید بتوان میان این دو نوعی همکاری راهبردی ایجاد کرد تا هر دو وضعیت انزواي منطقه‌ای خارج

ایتالیا نیز در صنایع هوافضا با ترکیه همکاری دارد و خود نیز بخشی از این پهباده‌ها را خریداری کرده است. این تحولات نشان می‌دهد جایگاه ترکیه در ناتو به‌طور قابل توجهی ارتقا یافته است. همچنین توافق‌های دفاعی میان ترکیه و بریتانیا، مذاکرات آمریکا درباره جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ و نیز پرونده سامانه‌های پدافندی، همگی بیانگر تلاش غرب برای تقویت روابط با آنکارا هستند. حتی دونالد ترامپ نیز در مقاطعی اعلام کرد روابط آمریکا و ترکیه در بهترین وضعیت خود قرار دارد و از همکاری با رجب طیب اردوغان ابراز رضایت کرد. در کنار این مسائل، نباید از برخی اختلافات، مانند پرونده سامانه اس-۴۰۰، غافل شد. بحث‌هایی نیز درباره احتمال انتقال این سامانه‌ها به امارات مطرح بود؛ موضوعی که در آن، هم منافع روسیه، هم نیازهای دفاعی امارات و هم منافع آمریکا و ترکیه مورد توجه قرار داشت.

✚ میان کلامتان، چه شد که راه ترکیه از ایران جدا شد؟
از منظر تاریخی نیز باید توجه داشت که مسیری که ترکیه از دوران عدنان مندرس طی کرد، با مسیری که ایران از دوران دکتر محمد مصدق در پیش گرفت، کاملاً متفاوت بود. این دو انتخاب تاریخی، پیامدهای متفاوتی برای جایگاه بین‌المللی دو کشور به همراه داشت.

✚ اگر از قرائت تاریخی فاصله بگیریم، واقعاً با عینک تحولات جاری کدام سیاست درست‌تر بود؟

من نیتی برای ارزش‌گذاری ندارم و قصد هم ندارم در اینجا درباره درستی یا نادرستی آن دو مسیر داوری کنم. اما بدون تردید این تفاوت، ساختار سیاست خارجی و جایگاه ترکیه را درگروان کرد. محمد مصدق بر خلاف عدنان مندرس که در زمان او ترکیه به ناتو پیوست، مسیر کشورش را عوض کرد. محمد مصدق ورود به پیمان دفاعی غرب را نپذیرفت و با کودتا سرنگون شد. عدنان مندرس نیز با کودتا سرنگون شد و اردوغان ادامه‌دهنده کارهای اوست و البته سیاستمدار محبوب نزد اردوغان هم است. نکته دیگری که قابل تأمل است، اظهارات محمدرضاشاه پهلوی است که می‌گفت آمریکا با ترکیه مانند «همسر» رفتار می‌کند، اما با ایران مانند «معشوقه». مقصود او این بود که نوع رابطه واشینگتن با آنکارا، از ثبات و عمق بیشتری برخوردار بوده است.

✚ اگر بخواهیم از زکلی کوبی، ذیل کلماتی چون «بی‌طرفی» و «احتیاط» عبور کنیم، به شکل جزئی ترکیه و اردوغان چه نگاهی به جنگ‌های تحمیلی یک سال گذشته علیه ایران داشت؟ راضی بود؟ راضی نبود؟ از تضعیف و فروپاشی ایران حمایت کرد یا نکرد یا...

درباره جنگ‌های اخیر علیه ایران نیز به‌نظر می‌رسد ترکیه از اعمال فشار بر ایران، محدودشدن برنامه هسته‌ای و استفاده از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حتی فشارهای نظامی محدود علیه تهران ناخشنود نبوده؛ اما در عین حال، فروپاشی ساختار سیاسی ایران یا ایجاد وضعیتی که امنیت و ثبات ترکیه را تهدید کند، برای آنکارا یک خط قرمز محسوب می‌شود. اگر مواضع رجب طیب اردوغان، هاکان فیدان و سایر مقامات رسمی ترکیه را به‌صورت جداگانه بررسی کنیم، این مسئله روشن‌تر خواهد شد. همچنین باید میان مواضع دولت ترکیه و دیدگاه‌های موجود در جامعه مدنی این کشور نیز تفکیک قائل شد که در ادامه می‌توان درباره آن بحث کرد. مایلم بر یک نکته تأکید کنم. به اعتقاد من، پس از انقلاب اسلامی، بخش قابل توجهی از فرصت‌هایی که ایران در عرصه منطقه‌ای از دست داد، به نفع ترکیه تمام شد. در حوزه انرژی، جایگاه منطقه‌ای و برخی فرصت‌های ژئوپلیتیکی، آنچه ایران از دست داد، تا حد زیادی در اختیار ترکیه قرار گرفت. در پاسخ به سوالات قبل، به نظر من هر سه عامل یادشده، یعنی ملاحظات ژئوپلیتیکی، عضویت در ناتو و دکتربن سیاست خارجی ترکیه، در شکل‌گیری رفتار آنکارا نقش داشته‌اند. با این حال، آنچه بیش از همه در سیاست خارجی ترکیه مشاهده می‌شود، پراگماتیسم و اولویت‌دادن به منافع ملی است. در تحلیل دکتربن سیاست خارجی ترکیه باید کانستراتیویسم و نهادگرایی نویلیار را هم برجسته کرد که اولی با به قدرت رسیدن داوود اوغلو مطرح شد و هنوز هم ادامه دارد. لذا تجربه رفتار ترکیه در قبال کشورهای چون لیبی، سوریه، عراق و حتی ایران نیز نشان می‌دهد ترکیه بیش از هر چیز، بر اساس محاسبات منافع ملی خود عمل می‌کند و این ویژگی، مهم‌ترین شاخص سیاست خارجی آنکارا است. مثلاً کنوانسیون مونترو (1936 Montreux Convention) رژیم حقوقی کل تنگه‌های ترکیه را تنظیم می‌کند؛ مدلی از ترکیه در قبال «دلرادائل» برای تنگه هرمز هم می‌تواند کاربرد داشته باشد.

✚ با توجه به نکته‌ای که مطرح کردید مبنی بر اینکه ترکیه اکنون یکی از بهترین دوره‌های روابط خود با ایالات متحده را تجربه می‌کند، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه باید نسبت این کشور را با اسرائیل ارزیابی کرد؟ از یک سو، آمریکا مهم‌ترین

عبدالرحمن فتح الهی: با وجود آنکه ترکیه در جریان جنگ ۱۲روزه با میزبانی از سیدعباس عراقچی و حمایت از بیانیه سازمان همکاری اسلامی در محکومیت حمله اسرائیل به ایران، همدلی سیاسی خود را با تهران نشان داد، اما در عمل از هرگونه ورود مستقیم به بحران اجتناب کرد. این الگوی رفتاری در جنگ ۴۰روزه و نیز در دور تازه تنش‌ها در مناطق جنوبی ایران نیز تکرار شد؛ به‌گونه‌ای که آنکارا کوشید میان حمایت دیپلماتیک از ایران و پرهیز از درگیرشدن در منازعه، نوعی موازنه راهبردی برقرار کند. پرسش اساسی این است که ریشه بیش از هر چیز محصول ملاحظات ژئوپلیتیکی و الزامات امنیت ملی ترکیه است یا عضویت این کشور در ناتو و تعهدات ناشی از آن نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی به رفتار آنکارا داشته است؟ یا آنکه باید این الگو را برآیند هم‌افزایی سه مؤلفه اصلی، یعنی ملاحظات ژئوپلیتیکی، الزامات انتقالی و دکتربن سیاست خارجی ترکیه دانست که در کنار یکدیگر، چارچوب تصمیم‌گیری راهبردی این کشور در قبال جنگ‌های تحمیلی علیه ایران شکل داده‌اند؟ با این همه، واکاوی راهبرد کلان ترکیه در قبال جنگ‌های تحمیلی اخیر علیه ایران و بررسی مبانی ژئوپلیتیکی، امنیتی و راهبردی رفتار آنکارا، محور گفت‌وگویی پیش‌رو با سیداسدالله اطهری، استاد مطالعات ترکیه و عضو انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا است که در ادامه می‌خوانید.

● ● ●

✚ با وجود آنکه ترکیه در جریان جنگ ۱۲روزه ضمن میزبانی از سیدعباس عراقچی و حمایت از بیانیه سازمان همکاری اسلامی در محکومیت حمله اسرائیل به ایران، از ورود مستقیم به بحران پرهیز کرد، در جنگ ۴۰روزه و نیز دور تازه درگیری‌ها در مناطق جنوبی ایران نیز کوشید موضوعی محتاطانه و مبتنی بر بی‌طرفی نسبی اتخاذ کند؛ با توجه به این الگوی رفتاری، راهبرد کلان ترکیه در قبال جنگ‌های تحمیلی علیه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این رویکرد بیش از آنکه ریشه در ملاحظات ژئوپلیتیکی داشته باشد، متأثر از الزامات عضویت این کشور در ناتو است یا باید آن را در چارچوب دکتربن سیاست خارجی ترکیه تحلیل کرد یا سبترزی در هر سه عامل، ترکیه را به این نقطه رسانده است؟

به‌نظر من، شما در این پرسش به‌درستی و با دقت به دو مفهوم کلیدی و مهم، یعنی «بی‌طرفی» و «احتیاط» در رفتار ترکیه در قبال جنگ علیه ایران اشاره کرده‌اید. همچنین به‌درستی این پرسش را مطرح کرده‌اید که آیا «این رفتار ناشی از ملاحظات ژئوپلیتیکی است»، عضویت در ناتو» یا «بخشی از دکتربن سیاست خارجی ترکیه است». این مفاهیم، چارچوب مناسبی برای تحلیل رفتار آنکارا فراهم می‌کنند. اگر بخواهیم این موضوع را بررسی کنیم، باید توجه داشته باشیم که ترکیه برای رسیدن به جایگاه کنونی، مراحلی را طی کرده است. نخستین گام، تلاش برای ایفای نقش میانجی و حافظ صلح در منازعات منطقه‌ای بود؛ رویکردی که می‌توان آن را نوعی تحول یا حتی انقلاب پارادایمی در سیاست خارجی ترکیه دانست. پیش از آن، چنین نقشی در سیاست خارجی این کشور چندان برجسته نبود. البته در دوران جنگ سرد، ترکیه نتوانست از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای ایفای چنین نقشی بهره بگیرد؛ زیرا از نظر امنیتی و دفاعی وابستگی زیادی به ایالات متحده داشت و واشینگتن نیز از ایفای چنین نقشی توسط آنکارا حمایت نمی‌کرد. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، ترکیه اینستکرات جدیدی را در عرصه همکاری‌های منطقه‌ای دنبال کرد؛ از جمله شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای در دریای سیاه، ایفای نقش فعال در سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE)، مشارکت گسترده در عملیات ناتو در بوسنی و کوزوو، حضور در مأموریت‌های ایجاد صلح در البانی به رهبری ایتالیا، تلاش برای ترمیم روابط با یونان و گسترش همکاری‌های چندجانبه در منطقه بالکان. این مجموعه اقدامات، در مجموع نشان‌دهنده همان تحول پارادایمی در سیاست خارجی ترکیه بود. در ادامه نیز آنکارا تلاش کرد در برخی بحران‌های مهم، از جمله مناقشه روسیه و اوکراین، نقش میانجی ایفا کند. درباره ایران نیز چنین روندی آغاز شد، اما استعمار نیافت. در نتیجه، موضع ترکیه در قبال جنگ ۱۲روزه، جنگ ۴۰روزه و همچنین حملات ترکیه در مناطق جنوبی ایران، عمدتاً موضعی خنثی، محتاطانه و مبتنی بر حفظ نوعی بی‌طرفی نسبی بود.

✚ تحلیل شما درست، اما مشخصاً کدام عامل و با کدام وزن سبب شده ترکیه این‌گونه در قبال جنگ علیه ایران عمل کند؟
راهبرد کلان ترکیه بر این مبنا استوار است که این کشور خود را به یک قدرت منطقه‌ای مؤثر تبدیل کند؛ در چارچوب ناتو نقش‌آفرینی کند، هم‌زمان با روسیه و آسیا تعامل داشته باشد، در محیط پیرامونی خود نفوذ راهبردی ایجاد و جایگاه تاریخی و ژئوپلیتیکی ترکیه را احیا کند. این اهداف از اصول ثابت سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شوند.

البته هر یک از این مؤلفه‌ها نیازمند بررسی مستقل هستند و نمی‌توان فقط با یک عبارت کوتاه از کنار آنها گذشت و برایشان وزن تعیین کرد. برای نمونه، اگر به تحولات مربوط به ناتو توجه کنیم، می‌بینیم توافق‌هایی درباره پرونده هسته‌ای ایران و نیز جایگاه ترکیه در ساختار این پیمان شکل گرفت. اجلاس‌های ناتو، به‌ویژه اجلاس اخیر در ترکیه، از نگاه مقامات ترک موفق ارزیابی شدند؛ زیرا هم جایگاه ترکیه را در این سازمان مستحکم‌تر کردند و هم در موضوع برنامه هسته‌ای ایران، مواضع مشخصی اتخاذ شد. در اسناد ناتو نیز تأکید شد ترکیه صرفاً عضو جناح جنوبی این پیمان نیست، بلکه به یک بازیگر اصلی تبدیل شده است. ایجاد ساختارهای جدید ناتو در ترکیه، از جمله استقرار ستادهای جدید، تحولات مربوط به تنگه بسفر و گزارش‌های منتشرشده از سوی نهاد‌های اطلاعاتی و مطالعاتی ترکیه، همگی نشان‌دهنده افزایش اهمیت راهبردی این کشور هستند. از سوی دیگر، شکل‌گیری مثلث مدیترانه در چارچوب ناتو و نزدیک‌ترشدن کشورهای حوزه خلیج فارس به این سازوکار نیز اهمیت دارد. پیش‌تر نیز «ابتکار همکاری استانبول» در همین راستا ایجاد شده بود. علاوه بر این، همکاری‌های دفاعی و نظامی ترکیه با کشورهای اروپایی گسترش یافته است؛ برای مثال، اسپانیا در ساخت ناو هواپیمابر با ترکیه همکاری می‌کند و قرار است این ناوها به پهبادهای بومی ترکیه مجهز شوند.

شوند. این دیدگاه از ائتلاف ایران و اسرائیل حمایت می‌کرد که هر دو سیستم تحت محاصره اعراب با مذهب متفاوت هستند. در واقع، این نگاه بازخوانی تازه‌ای از دکتربن نگوریون بود. بر اساس دکتربن نگوریون، کشورهای غیرعرب پیرامون جهان عرب، یعنی ایران، ترکیه، اسرائیل و اتیوپی، باید با یکدیگر همکاری راهبردی داشته باشند تا در برابر محیط عربی پیرامون خود نوعی موازنه ایجاد کنند.

این دیدگاه حتی در دوران جنگ ایران و عراق نیز تا حدودی مطرح بود و در موضوعاتی مانند مخالفت اسرائیل با تجزیه ایران نیز بازتاب یافت. اما به‌تدریج اسرائیل از این مسیر ناامید شد؛ زیرا به این جمع‌بندی رسید که روندی که پس از انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته، موجودیت اسرائیل را به چالش می‌کشد. البته باید توجه داشت که رقابت ایران و اسرائیل صرفاً به دوران جمهوری اسلامی محدود نیست. این رقابت، به اشکال مختلف، حتی در دوران حکومت محمدرضا شاه نیز وجود داشت و هر دو در بسیاری از حوزه‌ها رقیب یکدیگر محسوب می‌شدند. اما درباره ترکیه، ارزیابی من متفاوت است. برخلاف رابطه ایران و اسرائیل، اختلاف میان ترکیه و اسرائیل ماهیت وجودی ندارد. نگاه ترکیه به این مسئله همچنان عمدتاً حقوقی و سیاسی است و نه مبتنی بر نفی موجودیت اسرائیل. در مقابل، اسرائیل نیز امروز دیگر در چارچوب همان برداشت‌های قدیمی دکتربن نگوریون عمل نمی‌کند و رویکردهای جدیدی را دنبال می‌کند. با این حال، رقابت راهبردی ایران و اسرائیل که ریشه‌های آن حتی به دوران پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد، همچنان ادامه دارد.

✚ پیش‌تر درباره نقش ناتو در سیاست خارجی ترکیه سخن گفتید. با توجه به همین مسئله، آیا عضویت ترکیه در ناتو عملاً دستن انشوری در صورت بروز هرگونه تقابل با اسرائیل بسته است؟ از سوی دیگر، آیا اسرائیل نیز به دلیل آنکه با یکی از اعضای ناتو مواجه است، در برخورد با ترکیه محدودیت‌هایی دارد که در قبال ایران با آن مواجه نیست؟ به بیان دیگر، عضویت ترکیه در ناتو را تا چه اندازه می‌توان عاملی بازدارنده و تنظیم‌کننده در روابط پر تنش آنکارا و تل‌آویو دانست؟

اگر این موضوع را از منظر نظریه «ساختار و کارکرز» بررسی کنیم، عضویت ترکیه در ناتو به‌طور طبیعی بر رفتار سیاست خارجی این کشور اثرگذار است. به عبارت دیگر، ساختار ناتو تا حد زیادی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی ترکیه تأثیر می‌گذارد و دامنه کشش آن را مشخص می‌کند. نمونه روشن این مسئله زمانی بود که ترکیه چندینبار روسی را سرنگون کرد. بلافاصله مقامات ترک به مقام پیمان ناتو استناد و موضوع حمایت جمعی اعضای این سازمان را مطرح کردند. بر اساس فلسفه این پیمان، حمله به یک عضو ناتو می‌تواند به منزله حمله به تمامی اعضای آن تلقی شود. در همان مقطع نیز سامانه‌های موشکی پاتریوت برای تقویت دفاع هوایی ترکیه در اختیار این کشور قرار گرفت.

علاوه بر این، ترکیه از منظر راهبردی نیز جایگاه بسیار مهمی در ساختار امنیتی غرب دارد. استقرار بخشی از تسلیحات هسته‌ای آمریکا در این کشور، پایگاه هوایی اینجریلیک، ایستگاه راداری کورجیک و سامانه‌های دفاع موشکی ناتو، همگی بیانگر اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه هستند. از پایگاه اینجریلیک در عملیات نظامی علیه عراق و همچنین در برخی مأموریت‌های مرتبط با منطقه خلیج فارس استفاده شده است و این مزیت‌های راهبردی همچنان برای ترکیه حفظ شده‌اند. در جریان تحولات اخیر نیز مباحثی درباره حملات یا تحرکات پیرامون برخی از این مراکز مطرح شد. درباره برخی گزارش‌ها، از جمله ادعاهای مربوط به حمله به تأسیسات راداری، اظهارات متفاوتی از سوی مقامات ایرانی، از جمله آقای عراقچی، مطرح و برخی از این اخبار نیز تکذیب شد. همچنین تماس‌هایی میان رؤسای جمهور ایران و ترکیه انجام شد. با این حال، اصل موضوع آن است که این مراکز، بخشی از ساختار دفاعی ناتو محسوب می‌شوند و جایگاه ویژه‌ای در معادلات امنیتی منطقه دارند. از منظر جمهوری اسلامی ایران نیز یک اصل کلی همواره مطرح بوده است، اینکه هر کشوری که خاک یا امکانات خود را در اختیار عملیات نظامی آمریکا با هدف اقدام نظامی علیه ایران قرار دهد، از نگاه تهران می‌تواند هدف مشروع تلقی شود. این اصل محدود به یک یا دو کشور نیست و درباره تمامی کشورهایی که در چنین عملیاتی مشارکت کنند، قابل طرح است.

با این حال، ایران در عمل تلاش کرده است روابط خود با ترکیه را به عنوان همسایه‌ای که در مقایسه با برخی کشورهای عربی روابط بهتری با تهران داشته، وارد مرحله تنش مستقیم نکند. از سوی دیگر، ترکیه نیز در قبال جنگ اخیر موضعی بسیار محتاطانه و حتی به تعبیر من، فراتر از بی‌طرفی و نزدیک به نوعی خنثی‌بودن اتخاذ کرد. البته درباره برخی مسائل، از جمله موضوع کرده‌ای ادعاهایی که پیرامون نقش ترکیه در جلوگیری از برخی تحولات مرتبط با تجزیه ایران مطرح شده است، بحث‌های متعددی وجود دارد که ترجیح می‌دهم آنها را در جای خود و به‌صورت مستقل بررسی کنیم.

✚ اتفاقاً پرسش بعدی من نیز در همین زمینه است. در جریان تحولات اخیر، درباره برخی کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عمان و حتی اردن، بارها از احتمال اقدام نظامی ایران سخن گفته‌اند؛ اما در قبال ترکیه چنین وضعیتی شکل نگرفت. آیا این تفاوت صرفاً ناشی از عضویت ترکیه در ناتو است یا عوامل دیگری، از جمله ملاحظات امنیتی، مسئله کردها و اهمیت حفظ روابط با آنکارا در این تصمیم نقش داشته‌اند؟

به نظر من، مسئله‌ها در این چنین منطقی وجود داشت، ایران باید در قبال برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز همین ملاحظه را می‌داشت. بنابراین، این تبیین کافی نیست. البته در مقطعی گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه چند موشک با بقایای آنها به سمت مرزهای ترکیه منحرف شده یا در مناطقی مانند غازی‌آنتپ سقوط کرده‌اند. برخی نیز مدعی بودند این موشک‌ها به سمت قبرس در حرکت بوده‌اند. در مقابل، ایران هرگونه حمله عمدی به خاک ترکیه را تکذیب کرد.